



استراتژی‌هایی برای بسط قدرت نقش‌آفرینی آمریکا در نظم جهانی رقابت‌آمیز

بسط قدرت آمریکا

مرکز امنیت نوین آمریکا () سال ۲۰۱۶، با هدف شکل دادن به گفت‌وگویی ملی در مورد نقش آمریکا در جهان سندی را با عنوان «بسط قدرت آمریکا ۴۷ استراتژی‌هایی برای بسط قدرت نقش‌آفرینی آمریکا در نظم جهانی رقابت‌آمیز» (۴۷) پیش از انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا منتشر کرد. این مرکز به دنبال آن بود تا از این طریق بررسی کند که چطور یک دولت جدید باید با چالش‌های پیچیده‌ای که آمریکا و نظم بین‌الملل حاکم با آن روبه‌رو می‌شوند، برخورد کند.

در پیشگفتار گزارش منتشر شده آمده است:

گزارش حاضر، محصول مرکز امنیت نوین آمریکایی با عنوان بسط قدرت آمریکا: استراتژی‌هایی برای بسط قدرت نقش‌آفرینی آمریکا در نظم جهانی رقابت‌آمیز است و دیدگاهی را که از بسط قدرت آمریکا در جهان حمایت می‌کند تشریح کرده است. این گزارش حاصل کار گروهی از مقامات پیشین و کنونی حکومتی آمریکا، استراتژیست‌ها و محققان است که به طور منظم جلساتی را به ریاست مشترک رابرت کاگان و هان جیمز پی . رابین در این مرکز درباره بسط قدرت آمریکا برگزار کرده‌اند. هدف این جلسات تشکیل گروهی متشکل از اعضای از هر دو حزب بوده تا در زمان جریان رقابت‌های انتخاباتی تا خود انتخابات ریاست جمهوری در نوامبر ۲۰۱۶ بتوانند گفت‌وگویی ملی را در مورد نقش آمریکا در جهان شکل دهند. اعضای این گروه چندین بار در باب دسته‌ای از مسائل منطقه‌ای و اصولی از خاورمیانه گرفته تا آسیا و اقتصاد بین‌الملل بحث کرده و نتایج را در این گزارش بازتاب داده است.

مرکز امنیت نوین آمریکا بر این باور است زمانی که تحزب در ساختار سیاسی آمریکا به عظمت بی‌نظیری دست یافته است مسأله بازسازی اجماع ملی در مورد نقش آمریکا در جهان از هر زمان دیگری بااهمیت‌تر است. این پروژه، این اندیشه را ترویج می‌دهد که رهبران آمریکا نسبت به حفظ و تقویت پایه‌های نظم بین‌الملل امروزی که توسط نیروهای متعددی در حال لرزش است حساس هستند. اهمیت گزارش پیش رو ناشی از صورت‌بندی دیدگاهی دیگر درباره سیاست خارجی ایالات متحده است که در بین سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان این کشور طرفدارانی دارد. گزاره‌هایی را که دیدگاه بیان‌شده در این گزارش بر آن متکی است می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- کاهش سطح مداخله‌گری آمریکا یا عقب‌نشینی در برابر خطرات راهکار مناسب آمریکا نیست بلکه این کشور باید رهبری و بسط قدرت خود در جهان را دنبال کند.

- اقتصاد آمریکا از چنان ظرفیتی برخوردار است که به‌رغم همه مشکلات، با تکیه بر نوآوری و پیشرو بودن در عرصه

جهانی، از افزایش بودجه‌های نظامی، پشتیبانی کند. نیروی نظامی جای دیپلماسی را نمی‌گیرد اما اگر آمریکا می‌خواهد مسائل بین‌المللی را حل کند باید نیروی نظامی قدرتمندی داشته باشد.

- انقلاب فناوری در صنعت انرژی به آمریکا اجازه می‌دهد تا به بازیگر مهم و حتی صادرکننده انرژی و نفت تبدیل شود.

- تقویت قدرت نظامی آمریکا و حفظ فاصله میان توان نظامی این کشور با چین، تضمینی برای کنترل چین و جلوگیری از مواجهه نظامی دو کشور است. آمریکا می‌تواند با تکیه بر سیاستی که تاکنون در پیش گرفته، ظهور صلح‌آمیز چین در چارچوب سنت‌های نظم لیبرال را تضمین کند.

- به‌رغم خیزش آسیا، نظم جهانی کماکان بر مدار اتحاد دو سوی ائتلاف تنظیم خواهد شد.

- آمریکا برای مقابله با روسیه و تضمین امنیت کشورهای شرق اروپا باید در برخی کشورهای شرق اروپا حضور قوی‌تری داشته باشد.

- آمریکا چاره‌ای جز نقش‌آفرینی در خاورمیانه و جلوگیری از بحران‌هایی که این منطقه را تحت تأثیر قرار داده‌اند ندارد.

- آمریکا باید برجام را به‌رغم همه کاستی‌های آن به صورت سختگیرانه اجرا کند. تهران اما باید متوجه باشد که اجرای برجام به معنای تنش‌زدایی و گشایش روابط با آمریکا نیست.

- دولت آمریکا باید مشخص کند که قصد عقب کشیدن از منطقه خاورمیانه را ندارد و منطقه خلیج فارس در زمره منافع حیاتی آمریکاست.

- آمریکا برای پیشبرد همه اهدافش به اجماع دوحزبی نیازمند است.

گزارش مرکز امنیت نوین آمریکا به نوعی در تضاد با رویکردی است که شماری از استراتژیست‌های آمریکایی در مؤسسه کاتو با عنوان انتخاب‌های سیاست خارجی ما: بازبینی نقش جهانی آمریکا منتشر کرده‌اند. مؤسسه کاتو بر رویکرد خویشتن‌داری به معنای حداقل کردن استفاده از زور و عدم مداخله آمریکا در نقاط مختلف جهان مگر تحت شرایط تهدید امنیت ملی آمریکا با استدلال‌های روشن تأکید کرده‌اند و از کاهش بودجه نظامی دفاع می‌کنند. نویسندگان گزارش حاضر اما عمیقاً از راهبرد افزایش قدرت نظامی و بسط قدرت آمریکا دفاع می‌کنند.

دونالد ترامپ اکنون به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شده و مواضع او در قبال توصیه‌های استراتژیست‌های مرکز امنیت نوین آمریکا نیز تناقض‌ناماست. این استراتژیست‌ها به شدت بر اجماع دوحزبی تأکید دارند و برآمدن دونالد ترامپ

محصول دوقطبی شدن عمیق جامعه آمریکا و همچنین موجد بروز شکاف‌هایی در حزب جمهوری خواه است. این سؤال به جد مطرح است که آیا ترامپ می‌تواند رئیس‌جمهوری برای ایجاد اجماع دوحزبی باشد؟ سؤال دیگری که بسیار مهم است اینکه ترامپ چگونه خواهد توانست میان وعده‌های خود برای تمرکز بر بازسازی اقتصادی آمریکا، توسعه زیرساخت‌ها و توصیه‌های مرکز امنیت نوین آمریکا در خصوص ضرورت توسعه بودجه و قدرت نظامی و ایفای نقش بیشتر در جهان توازن برقرار کند؟

نکته قابل توجه در هر دو رویکرد استیلاجویی (برآمده از مرکز امنیت نوین آمریکا) و خویشتن‌داری (از مؤسسه کاتو) آن است که هر دو بر اجرای برجام تأکید دارند، اگرچه نتایج متفاوتی از آن به دست می‌دهند. گزارش حاضر اجرای سختگیرانه برجام را توصیه می‌کند و هم‌زمان توصیه می‌کند که تهران نباید تصور کند اجرای برجام به معنای تنش‌زدایی یا گشایشی در روابط ایران و آمریکاست. مؤسسه کاتو تصریح می‌کند که اجرای برجام و عمل آمریکا به تعهداتش باید زمینه اعتمادسازی باشد.

خویشتن‌داری یا بسط قدرت آمریکا هر دو محصول تحولات درونی جامعه این کشور - که در انتخابات نوامبر ۲۰۱۶ نمودهایی از آن آشکار شد- و همچنین بازتاب یافتن نتایج راهبردهای سیاست خارجی این کشور بالاخص در دوران جورج بوش و باراک اوباما در عرصه داخلی این کشور است. هر دو رویکرد بازتاب تلاش برای صورتبندی کنار آمدن یا مقابله با افول هژمونی آمریکا نیز هستند. رویکرد بسط قدرت آمریکا که در این گزارش صورتبندی شده، کنار آمدن با افول هژمونیک آمریکا را برنمی‌تابد و ترکیبی از اقتصاد، قدرت نظامی و دیپلماسی را برای ادامه روند گذشته پیشنهاد می‌کند و البته با ناسازه‌هایی نظیر افزایش بدهی‌های دولت آمریکا که به مرز ۲۰ تریلیون دلار رسیده، ضرورت بازسازی زیرساخت‌های آمریکا و کاستی‌هایی که بخشی از تبیین لازم برای برآمدن ترامپ هستند به صورت جدی درگیر نمی‌شود. دیدگاهی که بر خویشتن‌داری و عدم مداخله آمریکا در جهان مگر به ضرورت‌های حاد تأکید می‌کند نیز به دقت با دشواری‌هایی نظیر اقتصاد سیاسی نظامی‌گری، چگونگی مقابله با جاه‌طلبی‌های روسیه در شرق اروپا، کنترل ظهور مسالمت‌آمیز چین یا روابط پیچیده آمریکا با کشورهای خاورمیانه و از جمله عربستان و اسرائیل مواجه نمی‌شود.

سیاست خارجی دولت ترامپ که بر منافع ملی ایران مؤثر است، و همچنین رویکرد راهبردی‌ای که در نهایت در سیاست خارجی آمریکا غالب خواهد شد و جهت‌های آینده تعاملات بین‌المللی این قدرت تأثیرگذار جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تحت تأثیر دو دیدگاه خویشتن‌داری یا بسط قدرت آمریکا خواهد بود. با توجه به شعارهای ترامپ در دوران انتخابات و وضعیت داخلی آمریکا از یک سو و ترکیب تیم مشاوران و کارگزاران دولت وی از سوی دیگر به نظر می‌رسد ترامپ در مرز میان این دو استراتژی حرکت خواهد کرد. از این‌رو شناخت این رویکردها و جریان‌ها و افراد تأثیرگذار بر آن‌ها از ضرورت‌هایی است که محرک ترجمه و ارائه متن حاضر بوده است.

برای مطالعه و دریافت متن کامل این مقاله، روی لینک زیر کلیک کنید.